



حسین دهقان وزیر سابق دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح:

# بعد از ۴۰ سال تعریف روشنی از مفهوم حکمرانی نداریم

**سردار حسین دهقان، وزیر اسبق دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اخیرا برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده اعلام آمادگی کرده است و برنامه‌های خود اعم از دیدارها و جلسات مختلف را به همین منظور در دستور کار قرار داده است. یکی از این دیدارها که البته بسیار چالشی و همراه با پرسش و پاسخ‌های متعددی هم بوده، دیدار اخیر وی با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی است. در این جلسه که تقریبا تمام زمان آن به پرسش و پاسخ گذشته، سوالات مختلفی در حوزه‌های مختلف اعم از سیاست، اقتصاد و فرهنگ از سوی دانشجویان مطرح شده و حسین دهقان هم پاسخگوی آنها بوده است. در شماره امروز «فرهیختگان» خلاصه‌ای از مهم‌ترین پاسخ‌های حسین دهقان به‌صورت گفتار تنظیم شده و در ادامه از نظرشان می‌گذرد.**

دریافت می‌کند با نتیجه فردی غیرفعال، برابر باشد. به بیان ساده عدالت به این معناست که هیچ‌کس احساس محرومیت بی‌جا و بی‌دلیل نداشته باشد.

**سوال اصلی عدالت آموزشی دستری یکنان به امکانات آموزشی است**

برای مثال نباید توقع داشت که نتیجه کنکور دانش‌آموز درس‌خوان و دانش‌آموز بی‌توجه یکنان باشد، اما سوال اصلی در حوزه عدالت این است که آیا این دو دانش‌آموز به یک میزان از خدمات آموزشی برخوردار بودند یا خیر؟ اگر از این امکانات آموزشی کسی سهم بیشتری برده باشد، مصداق بی‌عدالتی است، اینکه در بعضی مدارس سیستماتیک و بلوچستان برخی مدارس سقف ندارند و در برخی مدارس تهران بهترین امکانات آموزشی فراهم است، نشان‌دهنده این است که عدالت آموزشی نداریم. اینجا است که دولت حاکم باید ورود کند و مانع بی‌عدالتی باشد.

درون سیستمی شدیم، ملت ما هم چپ و هم راست را تجربه کرده است و روند کار هر دو این است که دیگری را تخریب کند، افراد خود را سر کار بیاورد و دولت مدنظر خود را بر قدرت بنشانند، اما این دموکراسی نیست و باید فضا به گونه‌ای باشد که افراد دارای صلاحیت فارغ از تمایلات سیاسی خود وارد شوند.

**ن نباید منتظر کسی از خارج بمانیم**

اینکه حضرت آقا فرمودند که به بیرون امید نداشته باشید حرف درستی است، اگر منتظر کسی دیگر ننشسته‌ایم باید بدانیم که طرف مقابل چیز بزرگ‌تری از ما می‌خواهد، مثلا ممکن است ما به دستاورد اقتصادی فکر کنیم اما طرف مقابل به دنبال دستاورد سیاسی باشد؛ دستاورد سیاسی بسیار گسترده‌تر از دستاورد مادی است، آمریکایی‌ها همواره به دنبال دستاوردهای سیاسی هستند، ما نباید درگیر مسائل جزئی باشیم، ما با کشورهای همسایه مانند ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان و... ارتباطاتی داریم که می‌توانیم آن را به فرصت تبدیل کنیم.

**عامه جامعه باید از نتیجه اقدامات دولت منتفع شود**

در بحث اقتصاد که شاید بیشترین گرفتاری امروز کشور ما است، ما دیدیم که ارزش‌ها و فرهنگ در سال‌های گذشته فدای اقتصاد شد، اینها را هزینه کردیم اما اقتصاد را هم به دست نیاوردیم. ما از عدالت این را می‌فهمیم که عامه جامعه باید از نتیجه اعمال و اقدامات دولت منتفع شود.

**در سیاست خارجی باید به گونه‌ای سیاست‌مان تنظیم شود که بیشتر منافع را کسب کنیم**

به‌طور خلاصه در سیاست جهانی بحث این است که مناسبات خود را با کشورهای مختلف به گونه‌ای تنظیم کنیم که همواره حداکثر منافع و فرصت‌ها را کسب کنیم، آن هم در دنیایی که قاعده بدهستان حاکم است. مثلا در برجام ما موارد زیادی را واگذار کردیم اما چیزی نگرفتیم.

**نیاز به یک دولت مقتدر و یک جامعه قوی داریم / دولت بی‌عمل برابر با هرج و مرج است**

ما نیاز به یک دولت مقتدر و یک جامعه قوی داریم، دولت مقتدر دولتی است که صاحب عزم و اراده و متکی بر اصول است، دولت بی‌عمل، برابر با هرج و مرج است، دولت مقتدر باید شفاف و پاسخگو باشد، ما باید اجازه بدهیم که مردم با ما سخن بگویند، ما باید به مردمی که زبان ندارند، زبان سخن بدهیم، نباید یک معلم با بسیاری درد نگفته، به مرحله اعتراض و بیداد برسد، باید فضای آزاداندیشی در کشور به‌وجود بیاید، یادمان باشد فشار و تهدید حتما هر چقدر شدید باشد به همان اندازه ایجاد واکنش می‌کند، ما نیاز داریم که به مردم بها دهیم.

**در دنیای امروز کسی می‌تواند حرف بزند که دارای قدرت باشد**

در دنیای امروز کسی می‌تواند حرف بزند که دارای قدرت باشد، این قدرت، قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی و اجتماعی را شامل می‌شود و همه این موارد استوار بر موضوع اتحاد و یکپارچگی است، اگر این موارد را داشته باشیم می‌توانیم کاری که می‌خواهیم را انجام بدهیم و بدون این موارد در عرصه بین‌المللی حرفی برای گفتن نخواهیم داشت. اکنون در عرصه داخلی دچار دودستگی و تعارض منافع

در کشور جمهوری اسلامی، قوا مستقل از هم نیستند بلکه صرفا متفک از یکدیگر هستند، هر رئیس قوه مسئول اداره کشور نیست و هر قوه حوزه کار خاص خود را دارد، اگر به سمت نظام‌بخشی حقوق، حاکمیت قانون و صیانت و حفاظت از حقوق عامه، همه اینها موجب حل مشکلات است.

**میزان سندهای بالادستی، سیاست‌ها و قوانین تدوین شده بسیار است اما نتیجه آنها در جامعه چطور؟ این سندها بیشتر کار را پیچیده کرده است و گویا نوشته شده که فقط وجود داشته باشد**

**برخی اسناد و سیاست‌ها در مورد عدالت نوشته شده تا صرفا وجود داشته باشد**

عدالت این است که همه افراد کشور بدون استثنا و به میزان برابر از امکانات کشور برخوردار باشند و دسترسی برای آنها یکنان باشد، اما زانیت هم در این شرایط ایجاد می‌شود، به این معنا که برخی افراد با استفاده از ارتباطات و جایگاه خود از موفقیت‌های مناسب مطلع شده و از آن سوءاستفاده می‌کنند. لذا باید تلاش کنیم تا مابه‌ازای عینی ارزش‌های متعالی را در جامعه ببینیم. میزان سندهای بالادستی، سیاست‌ها

**بعد از ۴۰ سال تعاریف مشخص و جایگاه معینی برای مفاهیم حکمرانی نداریم**

چیزی که باید در حوزه حکمرانی بگوییم این است که بعد از ۴۰ سال ما نتوانسته‌ایم به یک منظومه‌ای دست پیدا کنیم که هر عنصری از عناصر قدرت، هویت و... جای خود را پیدا کرده باشد، بدین صورت که وقتی بگوییم اقتصاد، معلوم باشد که منظور ما از اقتصاد چگونه اقتصادی است. باید از خود پرسیم که امروز عدالت را به چه عنوان و ذیل کدام ایده تعریف می‌کنیم؟ در واقع بعد از ۴۰ سال تعاریف مشخص و جایگاه معینی برای مفاهیم حکمرانی نداریم.

دقت کنیم در این ماجرا که مشکلی نیست چه میزان هزینه و تلاش برای رسیدن به این هدف مهم انجام شود، اما مهم این است که یک تعریف درست از عدالت ارائه شود، اینطور که بدانیم منظور از عدالت آموزشی چیست؟ عدالت در حوزه سلامت و درمان به چه معناست؟ ما صرفا با دیدن برخورداری عده‌ای، می‌گوییم که ناعادلتی است، اما آیا واقعا می‌توان گفت هرجا که برابری وجود دارد، عدالت هم هست؟

**ن باید در کشور کسی بی‌دلیل احساس محرومیت و بی‌عدالتی داشته باشد**

در صورتی که در برخی موارد، برابری با عدالت منافات دارد، برای مثال نباید نتیجه‌ای که فردی زحمتکش

## درنگ

نگاهی به آن روی سکه ترور دکتر محسن فخری‌زاده توسط رژیم صهیونیستی و آمریکا

# ترور برای شکست دیپلماسی یا ابزار رسیدن به توافق جدید؟



درباره چرایی ترور دکتر محسن فخری‌زاده جریان رسانه‌ای و تحلیل قالبی وجود دارد که از زبان بسیاری از رسانه‌های آمریکایی و غربی و البته تعداد قابل‌توجهی از رسانه‌های داخلی به دفعات مطرح و تکرار شده است، این تحلیل را خیلی کوتاه مرور می‌کنیم.

در اولین سطح مدافعان این تحلیل تلاش می‌کنند بگویند که رژیم صهیونیستی و برخی مانند عربستان سعودی و محمد بن سلمان ولیعهد این کشور دوران پایانی حضور ترامپ در کاخ سفید را برای خود حیاتی تصور کرده و برای جلوگیری از ورود بایدن به میدان دیپلماسی و بازگشت احتمالی به برجام هر اقدامی را انجام می‌دهند. قاعدتا تئوری از جانب کسانی طرح می‌شود که می‌خواهند فاصله‌گذاری بزرگی میان رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا داشته باشند و آنها را از هم جدا کنند و یا حتی در سطحی دیگر اوت معنی دار میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در مواجهه با ایران ایجاد کرده و بگویند رفتار دموکرات‌ها در قبال توافق هسته‌ای و برجام ۱۸۰ درجه مخالف آن چیزی است که ترامپ به دنبال آن بوده است. این تحلیل باعث شده که توصیه‌ها و پیشنهادهای زیادی به ایران شود مبنی بر اینکه هرگونه واکنش به اقدام اخیر صهیونیست‌ها بازی در پازل نتانیاهاو است و شرایط را به جای بهبود، وخیم‌تر خواهد کرد. حتی برخی عقیده دارند که اظهارنظرهای اخیر برخی سیاست‌مداران و حتی جنس و کلمات به کار رفته در واکنش برخی اعضای دولت درباره ترور دکتر محسن فخری‌زاده مبتنی بر همین ایده شکل گرفته و لذا قرار نیست تا دو ماه آینده یعنی زمانی که ترامپ از کاخ سفید خارج خواهد شد، ایران واکنشی نسبت به ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی یا آمریکا داشته باشد. این چند خط توضیح مختصر ایده‌ای بود که طی دو روز گذشته در «فرهیختگان» ندهایی بر آن نوشته شد و دلایلی آوردیم مبنی بر اینکه این استدلال انحرافی است و نه تنها به بهبود شرایط کشور چه در عرصه اقتصاد و چه در سیاست خارجی کمک نمی‌کند، که امنیت ملی و امید مردم به این توانمندی برجسته کشور در منطقه، پراشوب خورمیان‌رئیز از بین بردن و ایران را در معرض خطرات بسیار بزرگ‌تری قرار خواهد داد. این استدلال‌ها طی روزهای گذشته گفته شده و اکنون نیازی برای تکرار

مجدد آنها نیست اما نکته مهمی وجود دارد که نمی‌توان از آن گذشت و آن رگه‌هایی از یک تحلیل متفاوت در میان آمریکایی‌هاست که نشان می‌دهد یکی از اهداف چنین اقداماتی نه تنها برهم‌زدن امکان هر توافقی با ایران که ایجاد زمینه بهتری برای رسیدن آمریکا به یک توافق حداکثری با ایران و گرفتن بیشترین امتیازات ممکن از تهران است. روزنامه واشنگتن پست چاپ ایالات متحده تنها یک روز پس از ترور دکتر فخری‌زاده، دانشمند برجسته هسته‌ای ایران در این خصوص مطلب مهمی منتشر کرد و توضیح داد که حتی نتیجه ترورهای دهه ۸۰ نیز با چنین رویکردی انطباق دارد. در این مطلب که به قلم فردی به نام مکس بوت نوشته شده، ابتدا به بی‌ثمر بودن ترورهایی از جنس ترور دکتر فخری‌زاده و همچنین ترور سردار قاسم

سلیمانی که سال گذشته در بغداد انجام شد، اشاره و انتقاداتی هم از مدافعان این چنین اقداماتی ذکر شده است: «جنگ‌طلبانی مانند جان بوتون، مشاور امنیت ملی سابق ترامپ در ماه ژانویه اسمازل ابراز امیدواری کرده بود که ترور (سردار) سلیمانی ایران را مجبور به عقب‌نشینی از تندروی‌های منطقه‌ای خود کند و حتی «تغییر رژیم در تهران» را نیز کلید بزند. اما هیچ‌کدام از این پیش‌بینی‌ها درست از آب درنیامد. اما هیچ شواهدی وجود ندارد که نشان دهد قتل سلیمانی نقشه‌های ایران در منطقه را خنثی کرده باشد. اسماعیل قاتنی، معاون سلیمانی به‌راحتی جایگزین او شد و نیروی قدس نیز به کار خود مانند همیشه در لبنان، سوریه، عراق، یمن و جاهایی که نفوذ داشت، ادامه داد. در بخش دیگری از این مقاله، نکته قابل‌توجه دیگری هم ذکر و گفته شده:

«ترامپ بلافاصله اظهارات «یوسی ملان» یک خبرنگار و نظامی اسرائیلی درخصوص ترور فخری‌زاده را در توئیتر باز نشر کرد. او نوشته بود: «ضربه حرفه‌ای و روانی بزرگ به ایران.» اما خوب، این ترامپ زحمت باز کردن مقاله این شخص را به خود داده بود، مشاهده می‌کرد که او نوشته «به‌رغم این ضربه، ایران یک دانشمند هسته‌ای با استعداد دیگر مانند فخری‌زاده ترور شده را پیدا و جایگزین نفر قبلی خواهد کرد.» درخصوص این حرف باید بگوییم که این حرف درست است، چرا که نگاه واقع‌بینانه خواهد گفت ترور فخری‌زاده ضربه‌ای مرگبار به برنامه هسته‌ای ایران نخواهد بود. برنامه هسته‌ای ایران یک سازمان بزرگ است که می‌تواند به‌راحتی با وجود چنین اقداماتی خود را احیا کند.»

پس از ذکر این نکات نویسنده این مطلب در ادامه به استدلال اصلی خود ورود می‌کند و می‌نویسد که «حدس و گمان‌های زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر اسرائیل دستور قتل فخری‌زاده را صادر کرده تا در تلاش‌های دولت بایدن برای بازسازی توافق هسته‌ای دوران اوباما که از آن متنفر است، کارشکنی کند اما در واقع دور قبلی ترور دانشمندان هسته‌ای ایران که چهار کشته و یک زخمی بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ بر جا گذاشته بود، به احتمال زیاد به ایجاد یک راه‌حل دیپلماتیک، بیشتر کمک کرد، چرا که این ترور‌ها، همراه با تحریم‌های بین‌المللی سخت و حملات سایبری آمریکا و اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران (که معروف‌ترین آن ویروس استاکس نت بود)، فشارها بر ایران را افزایش داد و نهایتا منجر به موفقیت دیپلماتیک دولت اوباما در سال ۲۰۱۵ شد.» در ادامه این مطلب آمده: «ضحک است اگر ترور فخری‌زاده فقط برای هدف فشار بر ایران به منظور جلوگیری از امضای توافق با دولت بایدن بوده باشد، در حالی که دولتی در ایران مستقر است که متشکل از بسیاری از همان مقامات مذاکره‌کننده برجام است. از این‌رو باید گفت تنها سودی که می‌تواند چنین اقدامی داشته باشد فشار به تهران برای یک توافق جدید است، چرا که تنها راه برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران دستیابی به یک توافق هسته‌ای جدید است. بیایید امیدوار باشیم که ترور فخری‌زاده دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک را محتمل‌تر می‌کند.»